شکل‌های زندگی: درباره «مرگ ایوان ایلیچ» اثر لئو تولستوی

اگر زنده بمانم

نادر شهریوری (صدقی)

در میـان چهـار حقیقتی که بودا پـس از خروج از قصـر با آنها روبه‌رو شـد، لااقل یکی را بد فهمید و آن فقر بـود. درمورد بیماری، مرگ و پیری احتمالا هرکسـی در نهایت حقیقت آن را درمی‌یابد، اما درمـورد فقر احتیاج چندانی نبود که بودا برای درک حقیقت فقر رنج خانه‌به‌دوشـی را تحمل کند، او می‌توانسـت با کمی دو دوتا چهارتا کـردن حقیقت آن را دریابـد، تنها کافی بود که بـودا در همان قصر می‌ماند و در همان‌جا به جسـت‌وجوی حقیقت آن می‌رفت تا دریابد کـه اتفاقا همان شـرایطی که قصر پدرش را به وجـود آورده، فقر را نیز به وجود آورده اسـت. بودا با خروج از قصر کوشـید «رنج» را به تصویری زیبایی‌شناسـانه از آن بدل کند. به این منظور در ابتدا کوشید رنج را که برای او به‌کلی بیگانه بود، به آشنا بدل کند و آن را به سوی درون خود بکشد و فی‌الواقع جزئی از روح زندگی‌اش قرار دهد، تا آن را به نوعی فضیلت خودخواسته ارتقا دهد.

در میان نویسـندگان بزرگ، تولستوی ازجمله کسانی بود که مانند بـودا با خروج از قصر خود کوشـید تا وجود رنـج و نزدیکی به آن را به‌ویژه در دهه‌های آخر عمر خود زیبایی‌شناسـی کند. او این کار را با تمرین‌های روزانه که توأم با اراده استوار بود، انجام می‌داد. تولستوی هر دفتر از خاطراتش را با عبارت «اگر زنده بمانم» شـروع می‌کرد، او بر این باور بود که بایسـتی رنج را چنان گرامی بداریم تا به‌واسطهٔ آن زندگی پرجلال‌تر، پراهمیت‌تر و به‌واقع پرثمرتر و فرح‌بخش‌تر شود. او در سـال‌های آخر عمر خود با صراحت کم‌نظیری می‌نویسد: «آرزوی من این بود که رنج ببرم و تحت تعقیب قرار گیرم زیرا تنها وظیفه من رنج‌بردن است». با این تصور تولسـتوی رنج را نه صرفا یک بدبختی بلکـه تنها امری دانسـت که می‌توانـد به نوعی فضیلـت و تحول اخلاقی منتهی شـود. او نیز مانند بودا می‌اندیشید و مصداق‌های رنج را همان حقیقت‌های بودا یعنی بیماری، پیری، مرگ و فقر می‌دانست که از میان‌شـان البته مـرگ یا همان نیسـتی را مهم‌ترین موجد رنج تلقی می‌کرد.

«مرگ ایوان ایلیچ» (۱۸۸۶) در حقیقت پاسخ به موضوعی بود که به‌تدریج به مسـئله و در حقیقت تنها مسئله تولستوی بدل شده بود. این اثر روایتی رئالیسـتی از مرگ ایلیچ مچنیکوف، قاضی دادگاهی در تولا اسـت که در ۱۸۸۱ بر اثر بیماری درگذشت. تولستوی مچنیکوف را می‌شـناخت و به او علاقه داشت. مچنیکوف چنان‌که گفته می‌شد «به‌عنـوان مردی مهربان و خیر معروف بـود و تا حدی الگوی ایلیچ شخصیت اصلی مرگ ایوان ایلیچ شد».[1] تولستوی داستان مرگ ایوان ایلیچ را بـا زبانی فخیم و موجز روایت می‌کنـد. «ایوان ایلیچ قاضی موفقی اسـت که هنگام آویختن پرده‌های خانـه جدیدش از نردبان می‌افتد، پهلویش ضرب می‌بیند، مریض می‌شود و اندک‌اندک تحلیل و رو به مرگ می‌رود».[2] داسـتان «مرگ ایوان ایلیچ» داسـتانی ساده اسـت. هیچ چیز خاصـی رخ نمی‌دهد. مرگ ایـوان ایلیچ نیز مرگی معمولی اسـت، او مثل همه آدم‌ها می‌میرد. به‌رغم این اما تولستوی در آغاز فصل دوم با عبارت موجز و کوتاه می‌نویسد: «درگذشت ایوان ایلیچ بسـیار سـاده اما فوق‌العاده وحشـتناک بود».[3] عبارت «بسیار سـاده اما فوق‌العاده وحشتناکِ» تولسـتوی واجد تناقضی است که خواننده را به مضمونی ورای روایتی سـاده از زندگیِ به‌پایان‌رسـیدهٔ کارمنـدی معمولی هدایـت می‌کند، و آن به بحرانـی برمی‌گردد که تولسـتوی در میان‌سـالی با آن مواجه می‌شـود و آن ناتوانی‌اش در یافتن «معنایی» قانع‌کننده برای انسـان اسـت. تولستوی در نامه‌ای -که هرگز آن را نفرستاد- خطاب به دوست و مریدش و. گ. چرتکف از ابعاد این بحران می‌گوید: «شـاید دارم آخرین ساعت زندگی‌ام را از سر می‌گذرانم، و به بدی، سـوگوار و آزرده از اطرافیانم. دارم کاری را می‌کنم که شاید خداپسندانه نباشد، می‌کوشم بفهمم که چه معنایی در جهان است، ولی از دسـتم می‌گریزد و همواره این نگرانی، زانوی غم به بغل داشـتن، آزردگی و آرزوی مرگ در کار است».[4] مرگ ایوان ایلیچ یکباره ازآن‌رو برای تولسـتوی اهمیـت پیدا می‌کند که مرگ به «مسـئله» بدل می‌شـود. در اینجا با نوعی ترفند از طرف تولسـتوی مواجه می‌شویم، به این معنا که با عینیت‌بخشیدن به ترس می‌کوشد بـر ترس فائق آید و با «کار» بر روی وحشـت از مـرگ و روایت مرگ دیگـران در مخلوقات سـاخته و پرداختهٔ خودش ماننـد ایوان ایلیچ می‌کوشـد ترس از مرگ را امری سـهل و آسـان کنـد، درواقع او با فرافکنی ماهرانـه از آنچه در بادی امر نابودکننده و نیست‌شـدن به نظر می‌آمد، تلاش می‌کرد به زندگی اکنونش ژرفای بیشتری ببخشد. درعین‌حـال و به گونه‌ای کاملا غیرمنتظـره باعث ایجاد عالی‌ترین اثر رئالیسـتی و ارتقای هنری شود و دقیقا به‌واسطه تبحری که در خلق اثر ادبی داشـت، بتواند ساختگی‌بودن آن را از یاد ببرد، زیرا داستانش چنان بود که ساختگی‌بودنش از یاد می‌رفت و بدین‌سان قبل از مرگ بیـش از هزار بار مردن را در عالم خیـال به تصور درمی‌آورد تا با این شـعبدهٔ کارساز به اسـتاد همه آنهایی بدل شـود که زمانی به مرگ شکل بخشیده‌اند.

«ترس» مقوله‌ای بس تأمل‌برانگیز اسـت که می‌تواند از واقعیت سـبقت گیرد، زیرا با خیال پیونـد پیدا می‌کند و همـواره خلاق‌تر از سـلامتی کُند و بی‌تحرک می‌شـود. تولسـتوی در این زمینه تأملات زیادی داشـت و تلاش او همه آن بود تا همه نشـانه‌های خاموشی شـمع وجود و هر خـط و هر علامتی را که کندوکاو مرگ در جسـم فانی حک می‌کند و هر لرزش و خوف روح در حال سقوط را بشناسد. به بیان سـاده‌تر تولستوی بس پیگیرانه می‌کوشید تا لحظه به لحظه نزدیکی به پایان حیات را در مخلوقات خویش نشـان دهد تا سپس خود نیـز فریب ترفند خویش را بخورد و آن را به طور واقعی تجربه کند و در این میانه چه کسـی بهتر از ایوان ایلیچ می‌توانسـت «حس قبل از وقوع» را در تولسـتوی ایجاد کند. از این نظر مرگ ایوان ایلیچ اگرچه با ناله‌های «من نمی‌خواهم، من نمی‌خواهم» او همراه است، در عوض بزرگ‌ترین پروسـه آزمایشی تولسـتوی برای تمرین قبل از مرگ و در همان حال بزرگ‌ترین دسـتاورد روان‌شـناختی تولسـتوی به حسـاب می‌آیـد. در اینجا می‌تـوان به تفاوت میان تولسـتوی با داستایفسـکی پی برد، این تفـاوت موقعیت این دو نویسـنده بزرگ را آشـکار می‌کند. مرگ در داستایفسـکی بی‌واسطه رخ می‌دهد، در حقیقـت او به صورت وجودی -اگزیسـتانس- و غیرتاریخی با مرگ روبه‌رو می‌شـود. یعنی ابتدا با نیسـتی روبه‌رو می‌شـود تا سپس به معنای هستی پی ببرد، درحالی‌که تولستوی به‌واسطهٔ ایده و تأملات متقابلی که انجام می‌دهد به سراغ «مرگ» می‌رود تا برای آن مسئله مهم راه‌حل پیدا کند. گاه با حسـرت -بیشـتر حسرت به حال خود- به مـردم عادی فکر می‌کند که چگونه ایمان‌شـان آنهـا را در برابر ناامیدی که مایه رنج تولسـتوی بود، محافظت می‌کند. تولسـتوی از قبـل با رنج و بدبختی دهقانان و «موژیک»*هایی آشـنا بود که خود صاحب آنان بود و درعین‌حال به آنها باور داشـت و با خود این‌گونه فکر می‌کرد که اگر آنان فاقد دلگرمی بودند و در درون خود آن نیروی معجزه‌آسـا که تولستوی حسرت آن را می‌خورد، نداشتند، هرگز قادر نبودند زندگی فقیرانـه و پررنج خود را آن‌هم چنین صبورانه و حتی با رضایت تحمل کنند. به این گونه بود که تولستوی به دنبال معنایی در دل رنج می‌گشـت تا مادامی که زنده است، بتواند سختی‌های آن را همچـون توده مردم پذیرا شـود و از همین رو دائما به خود تلقین می‌کرد که می‌بایست از مردم بیاموزد و صبوری و پذیرش ساده مرگ را نیز از همان‌ها بیاموزد. بسـیاری، از این گرایش تولسـتوی به سوی مردم با عنوان گرایش پوپولیسـتی یاد می‌کنند، اما پوپولیستی بودن تولسـتوی به معنای «تقدیس توده» که بعدهـا راهنمای انقلابیون اکتبر قرار گرفت، نبود و بیشتر گرایشی روسویی بود که در بی‌آلایشی و رسیدن به سادگی انجام می‌داد. این خصوصیت جنبه‌ای از گرایشات مسـیحی را نیز دارا بود، ولی بیشتر به سمت روسو میل پیدا می‌کرد. به بیانی دیگر، تولسـتوی بیشـتر شـباهتی میان توده‌های دهقان با «انسان نجیبِ» روسـویی پیدا می‌کرد. تولستوی نیز مانند روسو فکر می‌کرد که «انسـان خوب زاده می‌شـود و ذاتا نیک است». روسو بر این باور بود که قلب و فطرت آدمی سرچشـمه حس اخلاقی است و حالت طبیعی یا اولیه همان بهشـتی اسـت که انسان از آن رانده شـده و مالکیت همانا آغاز نابرابری است و به‌همین‌دلیل بایست به سوی سرچشـمه رفت. تولستوی نیز می‌خواسـت که به سرچشمه بـرود، جایی که انسـان‌ها با مهربانی و عطوفـت در کنار هم زندگی می‌کردنـد و از این نظر الگویـی برای انقلابیون اکتبـر بود. اقدامات شـخصی تولسـتوی نیز در «بومی‌کردن» خود -خود را به شـکل و شمایل روستاییان درآوردن- و نمونه اقدامات تأمینی از قبیل ساختن مدرسـه نیز تلاش بـرای یافتن همان معصومیتی بـود که به آرمان متأخر زندگی‌اش بدل شـده بود. با این حال میان کیفیات روسـویی تولسـتوی با ایـدهٔ «اراده همگانیِ» روسـو، تفاوتـی ماهوی وجود داشـت. ایده اراده همگانیِ روسـو که خود را یعنی «من انسـانی را در مـن اجتماعی» محوشـده می‌دید، فی‌الواقـع آن چیزی نبود که تولسـتوی به آن توجه نشان می‌داد، زیرا گرایشـات تولستوی از یک منظـر بیانگر انزوا و تنهایی او و مبیّن آرمان اخلاقی‌اش بود که آن را بـه مهم‌ترین تأملات اخلاقی‌اش یعنی مرگ و معنای زندگی گره زده بود. چه‌بسا تولسـتوی مانند بودا** به دنبال روشنایی بود و اگر زنده بمانـد، بتواند به باقی‌ماندهٔ زندگی خـود معنا دهد و آن را جایگزین مرگ‌اندیشی کند. بدل‌کردن رنج به تصویری زیبایی‌شناختی و ارتقای آن به فضیلت، به‌واقع واجد هیچ حقیقتی نمی‌تواند باشـد و تلاش اغراق‌آمیـز به منظور کسـب آن فضیلـت که گاه خـود را در قالب دلسوزی به ستم‌دیدگان نشان می‌دهد، از یک منظر دلسوزی به حال خود سـتم اسـت. وجود رنج و فلاکت بیانگر وضعیتی مخدوش و بی‌معناست، مگر آنکه آدمی معنای خودخواسته به آن بدهد.

پی‌نوشت:

* «موژیک»، کشـاورزان روستایی در روسیه بودند که برای اربابان کار می‌کردنـد، فرق آنان با دهقانان این بود که آنها جزئی از املاک بودند و با املاک و زمین‌های کشاورزی خریدوفروش می‌شدند.

** واژه «بودا» ریشه سانسـکریت دارد و به معنای روشنایی است یا به آن کسـی گفته می‌شود که از نادانی‌ها و رنج رها شده و می‌کوشد به حقیقت نهایی برسد.

۱، ۴. «تولستوی و مرگ» (یک تفسیر) جان گری، ترجمه ایرج کریمی
۲. «لئو تولستوی» پاتریشیا کاردن، ترجمه شهرنوش پارسی‌پور
۳. «مرگ ایوان ایلیچ»: به نقل از پیوسـت «تولسـتوی و مرگ» جان گری، ترجمه ایرج کریمی

عطف

«باختن از مرگ»: شکست وجودی انسان در ستایش شکست

شـرق: «باختـن از مـرگ» اثر کاسـتیکا براداتان، چهارمین کتـاب از مجموعه «در ستایش شکست» است که درباره شکست وجودی، یعنی مرگ ناگزیر انسـان و پیامد مهم آن اسـت. همه ما به‌رغم دستاوردها و ناکامی‌هـای کوچک و بزرگ، چاره‌ای جز مواجهـه با مرگ خـود نداریم و چگونگی همین رویارویی نقشی برجسته در ساخت هویـت مـا و تعریف آن بـرای خودمان و دیگران ایفا می‌کنـد. براداتان در این کتاب، با نگاهی موشـکافانه به آرا و زندگی یوکیو میشیما، نویسنده، شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و هنرپیشـه ژاپنی، بـه بررسـی آخرین و مهم‌ترین دایره شکست می‌پردازد. به نظر او، ما با درک کسـانی که اختیار زمان مرگ خود را در دست می‌گیرند تا زودتر به ثبات و آرامش آرمانی انسان‌ها برسند، می‌توانیم با میراثی خود کنار بیاییم و چه‌بسـا روایتی معنادار بسـازیم که بـه زندگی‌مان ارزش زیستن بدهد. به باور براداتان، آخرین حلقه شکسـت چنان تنگ و شـخصی است که در تمـام دنیا فقط قد و قالب اندام یک نفر است: یعنی خودمان. حقیقت این است که چنین شکستی مدام در حال رخ‌دادن است. از لحظه‌ای که پـا به این جهان می‌گذاریم تا لحظه مرگ، ناکامی نهایی ما در تک‌تک سـلول‌هایمان جا خوش کـرده. از خیلی جهات نیز رفتن هرکـس مهم‌ترین لحظه زندگی‌اش است. پس نحوه مرگ ما درباره نحوه زندگی‌مان و ماحصل عمرمان در بستر زمان و فرهنگ، حرف‌های زیادی می‌زند. و ایـن چیزی بود که برای هنرمند سرکشـی همچون میشیما نمی‌توانست اتفاقی ساده باشـد و بی‌اختیار از آن بگذرد. براداتان در کتاب «باختن به مرگ» می‌کوشد از شکست وجـودی، نوعی «هنر زیبا» بسـازد و «هنر باخت را به بخشـی مأنـوس و صمیمانه از هنر زندگـی تبدیل کند». او می‌خواهد با صحنه‌پردازی مرگش در قالب مراسـمی باشـکوه، خودش نقطه پایان این شکست ناگزیـر را بگذارد. میشـیما بـا وجود همه آثـار ادبی و هنـری تحسـین‌انگیزش، در سـال‌های پایانی زندگی به این باور رسیده بود که بهترین قصه‌اش نه اثری داسـتانی، بلکه مرگ خودش است. به باور نویسنده، کسـانی را که خودکشـی می‌کنند، به‌جای شـماتت، باید درک کرد. شاید ما از رهگذر آشـنایی با زندگی و اندیشه‌های کسانی که دسـت به خودکشـی می‌زنند، راهی برای کنارآمدن با ناکامی نهایی بیابیم؛ چیزی که او در کتابش آن را «درمان شکست‌محور» می‌دانـد. درواقـع براداتـان، در مجموعه «در ستایش شکست» اهمیت شکست در زندگـی و چالش‌های مواجهـه با فرهنگ موفقیت‌محور جهانی را بررسـی می‌کند. به نظر او شکسـت انسـان را از خودفریبی و نخـوت بی‌ثمر نجات می‌دهـد و نوعی فروتنـی و تواضع در او ایجـاد می‌کند که لازمه تلقـی و انتظار واقع‌بینانه انسـان از جایگاهش در هستی است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۲۷۷۷۰ تاریخ : ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۱۹۹۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۹ هیات اول متقاضی خانم فاطمه مصنوعی به شناسنامه شماره ۱۹ کدملی ۶۲۲۹۸۶۶۵۵۲ صادره فرزند احمد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۳/۶۶ متر از پلاک شماره ۱۴۸۷۶/۳۵۶واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان مالک رسمی نعمت اله سیف الهی طبق سیستم جامع املاک مورد ثبت صفحه ۱۵۷ دفتر ۲۴۳ املاک بوده که مورد درخواست مع الواسطه به موجب قولنامه به متقاضی واگذار شده و تعدادی از شهود آن را تأیید نموده اند لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۲/۰۵
شناسه آگهی: ۲۱۱۹۶۴۰

حسین زمانی علویجه - رئیس ثبت اسناد و املاک ۷۱۲۴

شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۸۰۰۳۸۸۴ تاریخ : ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کوهپایه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۸۰۰۳۷۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کوهپایه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای سید علی حسینی کفرودی به شناسنامه شماره ۸ کدملی ۵۶۵۹۸۲۸۲۳۵ صادره فرزند سید اسداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۸۷۱/۲۰متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ، فرعی از ۶۵ اصلی واقع در روستای اشکهران بخش ۲۱ حوزه ثبت ملک کوهپایه خریداری از مالکیت موروثی خانم روح انگیز فاطمی فرزند میرزا محمد علیخان فاطمی مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه های کثیر الانتشار و محلی آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۲/۰۵
شناسه آگهی: ۲۱۱۹۷۱۲

اصغر علی خانی کوپائی - رئیس ثبت اسناد و املاک ۷۱۲۳

قابلیت افراز
گزارش پرونده ثبتی تاریخ رسیدگی ۱۴۰۴،۱۱،۰۵
برابر گزارش ماده ۲ آیین نامه قانون افراز در ارتباط با پلاک ثبتی ۱۱۷۲ فرعی از ۲۳ اصلی نماینده

بـا احتـرام در اجـرای دسـتور مورخـه ۱۴۰۴،۰۷،۰۵ تحـت وارده ۱۴۰۴۲۱۷۳۱۰۱۰۰۴۲۱۸۶ مورخـه ۱۴۰۴،۰۷،۰۵ و حسـب تقاضـای خانـم مرجـان حسـینی نیـان بعنـوان احـد از مالکیـن مشـاعی پـلاک ۱۱۷۲ فرعـی از ۲۳ اصلـی واقـع در اراضـی قلعـه عبدالـه خـان جـزء حـوزه ثبتـی شهرسـتان فردیـس مبنـی بـر اجـرای عملیـات افـراز نسـبت بـه پـلاک مذکـور در جهـت مفـروز و مجـزی نمـودن حصـه مشـاعی متقاضـی و بـا ارجـاع ایـن موضـوع بـه اینجانـب علـی جوهـری کارشـناس ایـن واحـد ثبتـی مسـتندا بـه مـاده دو آئیـن نامـه قانـون افـراز و فـروش املـاک مشـاعی در خصـوص اعـلام وضعیـت ثبتـی ، پرونـده بررسـی و گـردش کار ثبتـی پـلاک مذکـور بحضـور تقدیـم میگـردد

ششـدانگ عرصـه و اعیـان یکدسـتگاه آپارتمـان مسـکونی واقـع در سـمت شـرقی طبقـه دوم بمسـاحت هفتـاد و سـه متـر مربـع قطعـه چهـار تفکیکـی تحـت پـلاک ۱۱۷۲ فرعـی از بیسـت و سـه اصلـی مفـروز و مجـزی شـده از پـلاک ثبتـی ۱۰۷۴ فرعـی واقـع در اراضـی قلعـه عبدالـه خـان جـزء حـوزه ثبتـی شهرسـتان فردیـس بانضمـام ششـدانگ یـک بـاب انبـاری بمسـاحت یـک متـر و شـصت و هفـت دسـیمتر مربـع قطعـه چهـار تفکیکـی واقـع در طبقـه همکـف بـا قـدر السـهم بـا قدرالسـهم از عرصـه و سـایر مشـاعات و مشـترکات طبـق قانـون تملـک آپارتمانهـا و آئیـن نامـه اجرائـی آن ذیـل ذیـل دفتـر املـاک الکترونیکـی ۱۴۰۰۲۰۳۳۱۰۱۰۰۰۹۴۲۰ و ۱۴۰۰۲۰۳۳۱۰۱۰۰۰۹۴۱۷ بنـام خانـم مرجـان حسـینی نیـان نسـبت بـه سـه دانـگ و خانـم اعظـم حسـنعلی نسـبت بـه سـه دانـگ ثبـت و اسـناد مالکیـت کاداسـتری بـه شـماره چاپـی ۹۰۳۸۷۵ و ۹۰۳۸۷۴ صـادر و تسـلیم گردیـده اسـت. بـه اسـتناد نامـه ۱۴۰۲۰۱۹۹۰۰۱۸۶۸۸۷۹۳ مورخـه ۱۴۰۲،۱۲،۲۰ شـعبه ششـم اجـرای احـکام مدنـی دادگسـتری شهرسـتان کـرج پـلاک مـورد درخواسـت افـر از بازداشـت مـی باشـد کـه در خصـوص موضـوع بازداشـت مرجـع بازداشـت کننـده طـی نامـه ۱۴۰۴۰۱۹۹۰۰۱۱۰۴۵۹۲۰ مورخـه ۱۴۰۴،۰۷،۲۲ اعـلام نظـر نمـوده اسـت .

خانـم مرجـان حسـینی نیـان افـراز پـلاک ۱۱۷۲ فرعـی از ۲۳ اصلـی را درخواسـت نمـوده و برابـر محتویـات پرونـده ثبتـی حکایتـی از صدور سـند معارض مشـاهده نمیگـردد . سـوابق ثبتـی بیـش از ایـن حکایتـی نـدارد. سـپس خانـم مرجان حسـینی نیان فرزنـد جلیل بـه موجب درخواسـت شـماره ۱۴۰۴۲۱۷۳۱۰۱۰۰۴۲۱۸۶ مورخـه ۱۴۰۴،۰۷،۰۵ درخواسـت افـراز قـدر السـهم مشـاعی خـود را از اداره ثبـت اسـناد فردیـس خواسـتار کـه انجـام آن برابـر مقـررات بـه نماینـده و نقشـه بـردار محـول گردیـد کـه مطابـق مـاده یـک و دو آئیـن نامـه قانـون افـراز و فـروش املـاک مشـاع نماینـده ثبـت گواهـی نمـوده اسـت کـه جریـان ثبتـی خاتمـه یافتـه وسـند مالکیـت معـارض ثبـت و صـادر نگردیـده لـذا بعـد از صـدور و ارسـال اخطـار و اگهـی افـراز پـلاک فـوق و طـی مراحـل قانونـی در ایـن خصـوص بموجـب نامـه شـماره ۱۴۰۴۸۵۶۳۱۰۱۰۰۲۰۹۲۶ مـورخ ۱۴۰۴،۱۰،۰۳ موضـوع افـراز پـلاک فـوق بـه اطـلاع شـهرداری محتـرم گرمـدره رسـانیده شـد کـه آن شـهرداری بموجـب نامـه شـماره ۲۱۹۹۳،۶۰،۱۴۰۴ مورخـه ۱۴۰۴،۱۰،۰۶ اعـلام نمودند

نظـر بـه اینکـه پـلاک موصـوف یـک واحـد مسـکونی آپارتمانـی اسـت طبـق ضوابـط و مقـررات شـهرداری قابـل افـراز نمـی باشـد و پـلاک فـوق را غیـر قابـل افـراز اعـلام نمـود لـذا بـا التفـات بـه نامـه شـهرداری گرمـدره ششـدانگ پـلاک فـوق غیـر قابـل افـراز اعـلام مـی گـردد.

خواهان خانم مرجان حسینی نیان فرزند جلیل به آدرس شهریار بابا سلمان - خیابان یدالله کلهر - جنب تعویض روغن پلاک ۸۹
خوانده خانم اعظم حسنعلی فرزند امیر قلی به آدرس شهر ری میدان شهر ری پشت پاساژ شیشه کوچه مختارخان - پلاک ۷۳- واحد ۶

تصمیـم مسـئول واحـد ثبتـی : بـا مطالعـه پرونـده ثبتـی و گـزارش مامورین افـراز و بـا عنایت بـه نامـه شـماره ۲۱۹۹۳،۶۰،۱۴۰۴ مورخـه ۱۴۰۴،۱۰،۰۶ شـهرداری گرمـدره ششـدانگ پـلاک فـوق الاشـعار غیـر قابـل افـراز تشـخیص مـی گـردد. مراتـب بـه متقاضـی و سـایر شـرکای مشـاعی ابـلاغ تـا در صـورت اعتـراض مطابـق مـاده دوم قانـون افـراز و فـروش املـاک مشـاع از تاریـخ رویـت ظـرف مـدت ده روز بـه دادگاه صالـح محـل وقـوع ملـک مراجعـه و اعتـراض نماینـد.

۷۵۲۶

شناسه:۲۱۳۷۱۵۳

آگهی فقدان

آقـای اسـلام لطفـی ضمـن تسـلیم دو بـرگ استشـهادیه تصدیـق شـده اعـلام نمـوده اسـت کـه سـند مالکیـت ششـدانگ یـک قطعـه آپارتمـان مسـکونی وضعیـت خـاص طلـق بـا کاربـری بـه پـلاک ثبتـی ۳۸۵۳۶ فرعـی از ۱۶۲ اصلـی ، مفـروز و مجـزا شـده از ۱۳۰۲۵ فرعـی از اصلـی مذکـور ، قطعـه ۲ در طبقـه ۱ و واقـع در بخـش ۰۰ ناحیـه ۰۱ حـوزه ثبـت ملـک فردیـس اسـتان البـرز بـه مسـاحت ۹۹.۲۳ متـر مربـع بـه انضمـام انبـاری قطعـه ۲ بـه مسـاحت ۲.۴۸ واقـع در طبقـه همکـف مشـخصات مالکیـت مالکیـت اسـلام لطفـی فرزنـد داداش مرحوم شـماره شناسـنامه ۳۵۴ تاریـخ تولـد ۱۳۲۸،۰۹،۱۹ صـادره از میانـه دارای شـماره ملـی ۱۵۳۰۸۴۸۳۶۹ بـا جـز سـلام ۶ از کل سـلام ۶ بعنـوان مالـک شـش دانـگ عرصـه و اعیـان بـا شـماره مسـتند مالکیـت ۲۰۰۳۸ تاریـخ ۱۳۹۲،۰۴،۱۶ ثبـت گردیـده اسـت حقـوق ارتفاقـی ملـک نـدارد.

محدودیـت نـدارد مفقـود گردیـده و تقاضـای صـدور سـند مالکیـت المثنـی نمـوده اسـت لـذا مراتـب بـه اسـتناد تبصـره یـک اصلاحـی بـه مـاده ۱۲۰ آئیـن نامـه قانـون ثبـت در یـک نوبـت آگهـی مـی شـود تـا چنانچـه کسـی مدعـی وجـود سـند مالکیـت نـزد خـود و یـا انجـام معاملـه نسـبت به ملـک مذکـور می باشـد از تاریـخ انتشـار ایـن آگهـی بـه مـدت ده روز اعتـراض خـود را ضمـن ارائـه اصـل سـند مالکیـت بـه ایـن اداره تسـلیم نمایـد بدیهـی اسـت چنانچـه ظـرف مـدت مقـرر اعتراضـی واصـل نشـود و یـا در صـورت اعتـراض اصـل سـند ارائـه نگـردد سـند مالکیـت المثنـی برابـر مقـررات بـه متقاضـی تسـلیم خواهـد شـد.

مهتاب هاشمی رییس اداره ثبت اسناد و راملاک فردیس ۷۵۳۱

شناسه:۲۱۳۵۹۲۲

آگهی فقدان سند مالکیت

شـرکت تعاونـی چنـد منظـوره عـام ایثارگـران صنعـت نفـت و گاز بـه وکالـت از بنیـاد تعـاون سـپاه پاسـداران انقـلاب اسـلامی بـه شـماره وکالـت ۷۶۱۴۳ تاریـخ ۱۴۰۴،۰۷،۱۳ دفترخانـه اسـناد رسـمی شـماره ۴۷۸ تهـران ضمـن تسـلیم دو بـرگ استشـهادیه تصدیـق شـده اعـلام نمـوده اسـت کـه سـند مالکیـت ششـدانگ یـک قطعـه زمیـن بـه پـلاک ثبتـی ۳۷۶ فرعـی از ۳۶۵ اصلـی بـه مسـاحت ۳۲۰ متـر مربـع قطعه ۸۳۱ تفکیکـی مفـروز از اصلـی مذکـور واقـع در اراضـی قـره آقـاج جـزء حـوزه ثبتـی شهرسـتان کـرج به شـماره چاپـی ۳۲۰۹۶۰ مـورد ثبـت ۱۸۳۱۶۹ دفتـر ۱۰۲۴ صفحـه ۴۲۲ بنـام آقـای مرتضـی محمدیـان ثبـت سـپس مـع الواسـطه برابـر سـند قطعـی شـماره ۹۲۷۸۵ تاریـخ ۱۳۷۴،۱۲،۲۴ ذیـل دفترخانـه اسـناد رسـمی شـماره ۹۵ کـرج ذیـل دفتـر ۸۱ صفحـه ۳۶۴ بـه بنیـاد تعـاون سـپاه پاسـداران انقـلاب اسـلامی منتقـل گردیـد کـه بعلـت جابجایـی مفقـود گردیـده و تقاضـای صـدور سـند مالکیـت المثنـی نمـوده اسـت. لـذا مراتـب بـه اسـتناد تبصـره یـک اصلاحـی بـه مـاده ۱۲۰ آئیـن نامـه قانـون ثبـت بـه آن دفتـر خانـه اعـلام تـا چنانچـه سـند مالکیـت مذکـور را جهـت انجـام هـر گونـه معاملـه بـه آن دفتـر خانـه ارائـه نمودنـد قبـل از انجـام هـر گونـه معاملـه آن را اخـذ و بـه ایـن اداره ارسـال فرمائیـد پـس از صـدور المثنـی در هنـگام انجـام معامله پرسـش از اداره ثبـت ضـروری مـی باشـد .

رونوشت: ستاد اجرایی فرمان امام (ره)

عباس صبوری رییس اداره اسناد و املاک ناحیه ۲ کرج ۷۵۳۰

شناسه:۲۱۳۶۱۴۳